

اخبار حوادث

یک اتفاق عجیب

۶قاتل درمهرستان اعدام‌نشدند!

صلح و سازش در پرونده‌های قتل عمد در مهرستان باعث بخشیده شدن ۶قاتل محکوم به اعدام شد.

رئیس شورای حل اختلاف سیستان و بلوچستان گفت: اختلافات و درگیری‌های موجود بین چند طایفه در مهرستان که سبب وقوع ۶فقره قتل عمدی شده بود با تلاش معتمدان بزرگان و ریش‌سفیدان به سازش ختم شد.

حمید رضا پندانی در این باره گفت: در ماه‌های اخیر جلسات متعدد ایجاد صلح و سازش بین چند طایفه که منجر به وقوع ۶فقره قتل عمدی مرد و زن مسلمان (سه فقره در سال ۱۳۹۴ و سه فقره در سال ۱۳۹۷ و جراحات شدید دو نفر دیگر در حوزه قضایی مهرستان) شده بود، برقرار شد.

رئیس شورای حل اختلاف سیستان و بلوچستان ابراز امیدواری کرد با تدابیر فرهنگی و استفاده از ظرفیت‌های مردمی و محلی منطقه و برخورد قاطع قضایی؛ از وقوع چنین جرایمی در سطح استان و شهرستان پیشگیری شود.



سارق حرفه‌ای خود را

دیوانه جازده بود

سارق سابقه‌دار با نقش‌پردازی در نقش یک مرد دیوانه خود را سردار معرفی می‌کرد تا به راحتی دست به سرقت بزند.

چندی قبل ماموران کلانتری ۱۵ احمدآباد در جریان سرقت‌های چند خانه در خیابان‌های کارون قرار گرفتند و تیمی از ماموران برای دستگیری عامل این سرقت‌ها وارد عمل شدند.

ماموران در گام نخست تحقیقات میدانی پی بردند که سرقت‌ها بیشتر از خانه‌هایی صورت گرفته که کوچ‌ها تارک و خلوت بوده و دزدان با اطلاع از نبود اهالی خانه دست به سرقت زده‌اند و در برخی مواقع بعضی از خانواده‌ها در مدت زمان کوتاهی که از خانه خارج شدند سرقت‌ها رخ داده است.

ماموران در تجسس‌های میدانی متوجه شدند که در زمان سرقت‌ها مردی دیوانه که اهالی محل او را سردار صدامی زنند و همیشه به او کمک می‌کنند در نزدیکی محل‌های سرقت دیده شده است.

بدین ترتیب ماموران او را به صورت نامحسوس تحت‌نظر قرار دادند تا اینکه در ماجرای سرقت از یک خانه شناسایی و خیلی زود در همان صحنه سرقت دستگیر شد.

ماموران در بازجویی‌های پلیسی از متهم پی بردند که این مرد دیوانه نبوده و برای اجرای نقشه‌های سرقت، خود را دیوانه‌نشان داده است و در ادامه مشخص شد که این متهم یکی از سارقان سابقه‌دار است.

بنا به این گزارش، دزد فریبکار برای سیر مراحل قانونی در اختیار مقام قضایی قرار گرفته است.



راز عجیب مردان مسلح شیرازی

دو مرد مسلح که راز عجیبی در سرقت‌هایشان داشتند در مرودشت دستگیر شدند.

فرمانده یگان حفاظت میراث فرهنگی استان فارس گفت: در پی اخبار واصله مردمی مبنی بر اقدام قریب‌القوسو اعضای باند حفار غیر مجاز به قصد تحصیل اشیای تاریخی در ارتفاعات شهرستان مرودشت، شبانه‌آکیبی مجرب از نیروهای حفاظت پس از پی‌موندن ساعت‌ها مسیر سخت و صعب‌العبور کوهستانی به محل مورد نظر عزیمت و با رعایت جواب حفاظتی اقدام به مسدود کردن معاینات خروجی کردند.

سردار امیر رحمت‌اللهی افزود: اعضای باند به محض رویت ماموران، به قصد فرار از صحنه جرم از محل متواری و در زمان فرار اقدام به تیراندازی کردند که در این خصوص ۲ نفر اعضای باند حفار غیر مجاز دستگیر و از متهمین دو قبضه اسلحه شکاری، چهار عدد جاقو، مقادیری فشنگ و ابزار و ادوات حفاری و چند قطعه شیء مشکوک به عتیقه کشف و ضبط شد.



خود کشی نافر جام دانش آموز

بابلی در مدرسه

دختر دانش آموزی صبح دیروز در یکی از مدارس بخش بندپی غربی با خوردن چند قرص استامینوفن و... اقدام به خودکشی کرد.

وی بلافاصله به بیمارستان شهید بهشتی منتقل و ساعاتی بعد پس از بهبودی از بیمارستان مرخص شد.

نمی‌کردم وارد بازی کثیفی شده‌ام نمی‌دانستم آدم‌ربایی جرم سنگینی است و اصلاً نمی‌دانستم به این زودی لو می‌رویم. باور کنید از آن روز به بعد از اکبر خبری ندارم.»

دومین گروگانگیر نیز با قبول کردن جرمش گفت: «به‌تازگی بیکار شده بودم و دنبال کار بودم که یکی از همسکاران قدیمی گفت مردی به نام اکبر را می‌شناسد که می‌خواهد چک چند میلیاردی‌اش را تازه کند.

وی افزود: تصورم این بود که اکبر با هومن مشکل مالی دارد و اصلاً نمی‌دانستم ماجرا از چه قرار است. نمی‌دانستم چه کنم تا اینکه از بیکاری پذیرفتم و روزی که با اکبر مواجه شدم در حالی که بسیار شیک‌پوش و با کلاس بود؛ تمام صورتش را با ماسک و عینک پوشانده بود به همین دلیل چهره او را ندیدم. وقتی با هم صحبت کردیم او گفت پول برایم مهم نیست فقط می‌خواهم از آقای دکتر انتقام بگیرم!»

متهم ادامه داد: «بعد از دستگیری اکبر قول داد برایم و کیل بگیرم تا زودتر آزاد شوم. در این مدت نیز به طور مخفیانه به زن و بچه‌ام رسیدگی می‌کرد و به آنها پول می‌داد، طوری که خودش را نشان نمی‌داد و پول‌رادر حیاط می‌انداخت و بعد از زدن زنگ فرار می‌کرد. هیچ وقت نتوانستم او را بشناسم. باور کنید هر کاری بتوانم برای شناسایی او انجام خواهم داد تا دستگیر شود.»

سسومین متهم که پیک موتوری و به قید ضمانت آزاد بود نیز جرمش را انکار کرد و گفت: «از ماجرای آدم‌ربایی خبر نداشتم و فقط به‌عنوان پیک موتوری از من خواسته بودند مبلغی پول از اکبر بگیرم و به آدرسی ببرم که دستگیر شدم.»

بنابه این گزارش، در پایان هیأت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

رسوده بودند در صحنه شکنجه به دام افتادند بررسی‌ها نشان داد رئیس باند به نام اکبر توانسته فرار کند و هیچ سرنخی از خود بر جای نگذاشته است.

بادستور باز پرس دادرای امور جنایی تهران تیمی از ماموران اداره ۱۱ پلیس آگاهی وارد عمل شدند تا اکبر را دستگیر کنند و هم‌زمان بررسی‌های قضایی در مورد ۳ آدم‌ربای دیگر آغاز شد.

۱۶ ماه بعد

در حالی که رئیس باند فراری بود و ماموران نتوانسته بودند وی را دستگیر کنند پس از ۱۶ ماه و کیفرخواست توسط باز پرس پرونده علیه سه گروگانگیر صادر و پرونده به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه

صبح دیروز یک پرونده آدم‌ربایی روی میز هیأت قضایی به ریاست قاضی قربان زاده قرار گرفت. در ابتدای جلسه نماینده دادستان کیفرخواست را قرائت کرد و هومن در جایگاه قرار گرفت.

این دکتر ثروتمند بعد از شرح ماجرای گروگانگیری گفت: «رئیس باند فراری است و او بوده که من را در این مخمصه انداخته است این ۳ آدم‌ربا من را شکنجه دادند هنوز کابوس آن روز را می‌بینم با این وجود اگر سه آدم‌ربای حاضر در دادگاه هویت نفر اصلی این پرونده را مشخص کنند و او را معرفی کنند، رضایت می‌دهم و از آنها شکایتی ندارم.»

در ادامه یکی از آدم‌رباها با انکار جرمش در جایگاه قرار گرفت و گفت: «خانه‌ای در جنوب تهران اجاره کرده بودم که اکبر پیشنهاد داد اگر این مرد یعنی هومن را در چند روزی در خانه نگه داریم به پول خوبی می‌رسیم. از ناچاری قبول کردم تا اینکه دستگیر شدم اصلاً فکر

وی که بغض کرده بود، ادامه داد: آن مردان که هنوز فکر می‌کردم وزارتتی هستند وقتی این مرحله رعب‌آور تمام شد به شکنجه‌ام پرداختند آنها بی‌رحمانه کتک می‌زدند. خیلی سختی کشیدم بویژه وقتی با استفاده از برق من را تا یک قدمی مرگ پیش بردند وقتی التماس‌هایم را دیدند خواستند در ازای پرداخت ۵ میلیون یورو رهایم کنند.

هومن گفت: باورم نمی‌شد در این شرایط باشم مدام می‌گفتم نمی‌توانم ۵ میلیون یورو را بپردازم تا اینکه ناگهان مرد دیگری به نام اکبر به آنها اضافه شد و دستور داد زن جوانی را بیاورند و کنار من عکس بگیرند باورم نمی‌شد می‌خواهند ابرویم را هم ببرند و خانواده‌ام را از هم بپاشند. از خودشان شنیدم آنها قصد دارند برای خانواده‌ام عکس و فیلم بفرستند و به جای ۵ میلیون یورو ۵۰۰ هزار یورو درخواست کنند. مانده بودم چه کنم به‌گریه افتاده بودم که ناگهان همه چی عوض شد

دیدم آنها به شدت ترسیده و به تکاپو افتادند تا فرار کنند و متوجه شدم به در دسر افتاده‌اند. دقایقی از این آشفتگی نگذشته بود که ماموران واقعی سرسیدند و با نجات من همه آنها را دستگیر کردند.»

مرد بدشانس ادامه داد: «دکترای عمران دارم و در این سال‌ها با رحمت زیادی توانسته‌ام زندگی خوبی برای خانواده‌ام فراهم کنم، اما آنها می‌خواستند یک‌شبه زحمات چند ساله‌ام را از من بگیرند. آدم‌ربایان مدام با تهدیدهای وحشتناک می‌گفتند اگر این میزان پول را در اختیار آنها قرار ندهم خودم و خانواده‌ام را خواهند کشت.»

فرار رئیس آدم‌رباها

در حالی که ۳ عضو اصلی باند گروگانگیری که در قالب مامور وزارت‌خانه مرد ثروتمند تهرانی را



رامی دانستند. فهمیدم که با خودم کار دارند تا اینکه شنیدم با ماموران وزارت‌خانه خاصی روبرو هستم و می‌دانستم من هیچ تلافی و جرمی مرتکب نشده‌ام، اما آن ۳ مامور ادعا کردند باید همراهشان به مقر بروم تا تحقیقات صورت گیرد. مرد آشفته با اشاره به اینکه هیچ قصدی برای مقاومت نداشتم و واقعا تصور می‌کرد به مقر وزارت‌خانه انتقال می‌یابد، گفت: آنها مرا سوار خودرویشان کردند و به خانه‌ای در جنوب تهران بردند وقتی داخل رفتم ناگهان رفتارشان عوض شد آنها با فحاشی به من اتهاماتی وارد کردند. سعی کردم ثابت کنم بی‌گناه هستم، اما آنها مرتب به من بی‌احترامی می‌کردند و به خانواده‌ام دشنام می‌دادند.

وقتی پیش روی افسر تجسس کلانتری در شمال تهران ایستاد گفت: من هومن هستم و دکتری عمران هستم.

وی افزود: مدت‌ها پیش پس از تلاش‌های بسیار با سرمایه‌ای مناسب شرکتی در شمال تهران دایر کرده و مدیرعامل آن شدم.

رئیس شرکت خصوصی ادامه داد: «امروز صبح در منطقه زعفرانیه در حال گذر بودم که ناگهان یک ون سبزرنگ سد راهم شد با نگرانی به سرنشینان آن خودرو خیره شدم رفتارشان عجیب بود تا اینکه سه سرنشین ون سبزرنگ پیاده شدند و سراغم آمدند.

هومن گفت: ابتدا فکر کردم اشتباهی شده یا سوء تفاهمی پیش آمده است، اما آن ۲ مرد که چهره‌ای فریبنده داشتند اسم و مشخصات من

گروه حوادث: ماسک رئیس باند گروگانگیری بود که می‌خواستند دکتر ثروتمندی را شکنجه داده و از او ۵۰۰ هزار یورو بگیرند.

در حالی که پلیس با دریافت گزارشی مرموز خانه‌ای قدیمی در جنوب تهران را شناسایی و نقشه آدم‌ربایان را به هم زده هنوز «ماسک» دستگیر نشده است.

این مرد نامرئی با وجود دستگیر شدن اعضای باندش پول به حیاط خانه آنها می‌انداخت تا خانواده‌هایشان سختی نکنند.

ربودن دکتر پولدار

بیست و چهارم مردادماه سال ۹۶ مردی هراسان و آشفته نزد پلیس پرده از سرنوشت دردناک خود در چنگال آدم‌ربایان برداشت. این مرد که هنوز صدایش می‌لرزید و باور نمی‌کرد زنده باشد

خبر

دو گروه از دزدان زنجیره‌ای دستگیر شدند

دزدی‌های هیجان‌انگیز یک دختر در باند تبهکاران

فرناز دستگیر شد

کارآگاهان در ادامه تحقیقات برای دستگیری فرناز از اسماعیل خواستند تا یک قرار صوری با تنها عضو دختر این باند بگذارد که دختر جوان بدون اطلاع از حضور ماموران پای در محل قرار ملاقات با اسماعیل گذاشت و ماموران موفق به دستگیری او شدند.

فرناز که راهی جز اعتراف نداشت به ماموران گفت: از چندی قبل با اسماعیل آشنا شدم و بعد از مدتی که به اسماعیل اعتماد کرده بودم از من خواست تا برای اجرای نقشه‌های سرقت‌شان با او همکاری کنم.

وی افزود: وقتی دیدم از این طریق می‌توانم پول خوبی به دست بیاورم تصمیم به همکاری با اسماعیل و همدستانش گرفتم.

فرناز ادامه داد: خانواده‌ام وضعیت مالی خوبی ندارند اما هیچ وقت کاری به من نداشتند و من بخاطر اینکه احساس تنهایی می‌کردم و به دنبال هیجان بودم پیشنهاد اسماعیل را پذیرفتم و در این سرقت‌ها نیز پول کمی سهم من می‌شد، اما پس از هر سرقت به خاطر هیجان فرار و سرقت تا چند روز حالم خوب بود.

دختر جوان گفت: سوار بر موتور همراه اسماعیل با دوستانش در خیابان‌ها پرسه می‌زدیم و با شناسایی سوژه برای سرقت وارد عمل می‌شدیم و همدستانم بعد از سرقت، گوشی موبایل را در اختیار من قرار می‌دادند چون با اسماعیل سوار بر موتور بودم کمتر کسی به ما شک می‌کرد.

فرناز ادامه داد: هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم دستگیر شوم چون در سرقت‌ها تنها نقش جابه‌جایی گوشی موبایل و فریبکاری داشتم و

تجسس‌های پلیسی ادامه داشت تا اینکه کارآگاهان با اقدامات فنی و پلیسی پی‌بردند که اسماعیل و همدستانش در یک خانه مجردی در نزدیکی میدان خراسان زندگی می‌کنند. همین کافی بود تا ماموران در عملیاتی غافلگیرانه پای در خانه مجردی سارقان خشن گذاشتند و موفق به دستگیری سه سارق سابقه‌دار شدند که در بررسی از مخفیگاه دزدان ۸ گوشی سرقتی موبایل نیز به دست آمد. اسماعیل که راهی جز اعتراف پیش‌روی خود نداشت مخفیگاه آخرین عضو این باند را که فرناز ۲۵ ساله است، لو داد. اسماعیل در اعترافاتش گفت: برای گمراه کردن پلیس و طعمه‌هایمان همیشه فرناز همراه ما بود و پس از سرقت نیز گوشی‌های سرقتی را در اختیار فرناز قرار می‌دادیم که کسی به ما شک نکند.

وی افزود: همدستانم نیز از دوستان قدیمی و هم‌جرمانم هستند که از چندی قبل تصمیم به دزدی گرفتیم و نقشه سرقت‌ها پس از دیدن مجید کچل شکل گرفت. اسماعیل گفت: یک روز به طور اتفاقی مجید کچل را ملاقات کردم و وقتی دیدم گوشی‌های سرقتی را با قیمت مناسبی از من می‌خرد و سوسه شدم و با توجه به گران شدن گوشی‌های موبایل نقشه سرقت را طراحی کردیم.

سارق سابقه‌دار ادامه داد: برای سرقت سوار بر دو موتور سیکلت تندرو در خیابان‌ها پرسه می‌زدیم و با شناسایی سوژه به سمتش حمله می‌کردیم، ابتدا سعی بر قاپیدن گوشی موبایل داشتیم، اما وقتی فرصت را مناسب نمی‌دیدیم با تهدید قهقهه و قداره نقشه‌مان را به اجرای گذاشتیم.

گروه حوادث: سه مرد و یک دختر جوان

که یک باند خشن تشکیل داده بودند در سطح تهران دست به سرقت گوشی‌های موبایل از طعمه‌هایشان می‌زدند.

دستگیری این باند کافی بود تا یک گروه دیگر که در زمینه خرید گوشی‌های سرقتی و قاچاق آن به کشورهای دیگر فعالیت داشتند، متلاشی شوند. اوایل مهرماه سال جاری ماموران پلیس پایتخت در جریان سرقت‌های سریالی گوشی موبایل از سوسی چند مرد و یک دختر در سطح شهر قرار گرفتند.

با توجه به حساس بودن پرونده تیمی از ماموران اداره ۱۸ پلیس آگاهی تهران به دستور باز پرس علی وسیله ایردومسی از شعبه ۵ دادرای ناحیه ۳۴ برای دستگیری عاملان این دزدان حرفه‌ای وارد عمل شدند.

تحقیقات پلیسی

کارآگاهان در گام نخست تحقیقات میدانی را آغاز کردند و به سراغ طعمه‌های این باند رفته و مشخص شد که سه مرد و یک زن سوار بر ۲ موتور و با در دست داشتن قهقهه و قداره به سراغ طعمه‌هایشان در سطح پایتخت رفته و اقدام به سرقت گوشی‌های موبایل کرده‌اند.

کارآگاهان در این شاخه از کاوش‌های پلیسی آلبوم مجرمان سابقه‌دار را پیش‌روی طعمه‌های این باند قرار دادند و خیلی زود ۳ تن از دزدان خشن که از مجرمان سابقه‌دار بودند، شناسایی شدند.

ماموران در ادامه پی بردند که اسماعیل، یکی از مجرمان سابقه‌دار این باند سرقت را تشکیل داده و یک دختر جوان نیز در این باند فعالیت دارد.